

اصول و روش آموزش خلاق در نظام تربیت زیبایی شناختی

زهره متقی 1، حسنعلی بختیار نصرآبادی 2، محمد امینی 3، کمال نصرتی هشی 4

1- دانشجوی دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان - ایران

Rozita2518@gmail.com

2- دانشیار رشته فلسفه تعلیم و تربیت - دانشگاه اصفهان - ایران

h.nasrabadi89@gmail.com

3- دانشجوی دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان - ایران

kamalnosrati1367@yahoo.com

4- کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی دانشگاه خوراسگان - ایران

m.amini424@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش معرفی نظام تربیت زیبایی شناسی به عنوان نظامی مبتنی برحیطه عاطفی اما پیشرو در قلمرو تفکر عقلی است. لذا با رویکرد کیفی و روش تحلیلی - استنتاجی، پس از بررسی اسناد، اصول این نظام استنتاج و روشهای اجرایی آن بیان گردیده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که طراحی نظام تعلیم و تربیت که در آن به شرایط روحی و انگیزشی فراگیر توجه کامل شود، ازدغدغه های دائمی تعلیم و تربیت است. شیوه ای که در آن فراگیر برداشت های انگیزشی خود را بر باورهای مستدل بنا کرده و تدریجاً در حوزه عقلانیت وارد شود. در این روش از اصول، در طراحی تجربیات هدفمند استفاده می گردد. این اصول ناظر بر مبانی معرفت شناسی و ارزش شناسی بوده و در قالب اصول مانند خودانگیزی، تفکر راهبردی، توازن عقل و احساس و ارتقاء سواد زیبایی شناختی، ارتقا عاطفی قابل تبیین است. همچنین با روشهای مبتنی برگسترش عمودی و افقی تجربیات، پرورش و کاربرد حواس و ارتقاء تخیل و خلاقیت اجرا می گردد. **کلید واژه:** تربیت زیبایی شناختی، تربیت عاطفی، سواد زیبایی شناختی، روش تربیتی

Principles and methods of creative training in aesthetic education

Zohre mottaghi 1, Hasanali Bakhtiyarnasrabadi 2, kamalnosrati 3, mohamad.amini-4

1. Ph.D. Student of Philosophy of Education, University of Isfahan- iran

2. Assistant Professor, Faculty of Education, University of Isfahan. Iran

3. Ph.D. Student of Philosophy of Education, University of Isfahan-Iran

4. MS Student of Educational Planning, University of Islamic Azad Isfahan

Abstract

Education system designed based on emotional and motivational environment where learners and perceptions of their behavior based on reasonable belief. In this context, the aim of this study is to provide a system of aesthetic education as an approach based on the affective domain and qualitative and analytical methods - deductive done. In this paper, noting the definitions of aesthetic education and content analysis of documents in this thread, Foundations and principles of aesthetic education is derived. Research results show that the aesthetics educational system should be applied of rules should be used beauty rules in the design of educational activities and value. Physical principles of aesthetics include: Their primary motivation, strategic thinking principle, the principle of balance of intellect and feeling filed promote literacy, improve aesthetics and the emotional, This system of vertical and horizontal expansion of the methods based on experience, training, promotion and application of the senses and the imagination and creativity run.

Keyword: Aesthetic education, emotional education, epistemology, axiology

مقدمه

در امر تعلیم و تربیت هر کس به صورت جدی بخواهد فراگیر را برای عقلانی اندیشیدن آموزش دهد، باید به شرایط و باورهای قبلی او نیز توجه کند، زیرا باورهای قبلی در رفتار و میزان علاقه و پیش فرض های آموزشی و نحوه فعالیت فراگیر موثر است. نکته دیگر ضرورت فراهم آوردن رغبت و انگیزه درونی براساس همین باورهای عاطفی است، زیرا یادگیری بعنوان یک فرایند روان شناختی به بستر مناسب احتیاج دارد؛ تا ذهن و سیستم مغزی معطوف به یادگیری گردد. این انگیزه زمانی که با حس عاطفی فراگیر عجین شود، یادگیری را از مرحله نیمه هشیار به مرحله خودآگاهی سوق داده و به این باور می‌رساند که، دانش و محتوای آموزشی مربوط به او و برای او است.

استفاده از توانمندی هنر و درک لذت بخش زیباشناسی در آموزش، با ایجاد یک باور عاطفی و انگیزه درونی ضمن آن که اجازه بروز استعدادها و خلاقیت های دانش آموزان را می‌دهد، رغبت آنان را افزایش داده و زمینه را برای تداوم یادگیری قوت می‌بخشد. ثمره حقیقی این تربیت، انگیزه و لذتی است که در ازای تلاش فردی حاصل می‌شود و به جای فعالیت بی حاصل در جمع‌آوری اطلاعات و کسب صرف آموخته‌ها با استفاده از تخیل و خلاقیت کرانه‌ها ی ذهن او را که هنوز تحت تاثیر منطق بزرگسالان خشک و محدود نشده است؛ توسعه می‌دهد. به همین دلیل هم متولیان تعلیم و تربیت به کارآمدی حیطه عاطفی قائل بوده و به دنبال راهکارهای اجرایی آن هستند.

تربیت زیبایی شناختی بعنوان یک روش آموزش از یک سو و ایجاد بصیرت عاطفی در ارزشها از سوی دیگر از پیشنهادات اندیشمندان در دستیابی به این هدف است.

زیرا احساسات واقعی انسان در این نوع از تربیت به سوی رشد متعالی ارتقاء می یابد و با برانگیختن و بیدارسازی این حس، اندیشه را از جایگاه محدود آن به سوی زاینده‌گی و بالندگی فرا می‌خواند تا آنجا که خیال‌پردازی و آفرینش خلاق از درون مایه زیبایی ریشه گرفته و موجب آزادسازی انرژی روانی به سوی ارزش های متعالی می شود. (کریمی، 1381: 32) لذا این فرایند شامل امتیازاتی است که بر همه جهت گیری های آموزشی تاثیرگذار است و همچنین تعلیم و تربیت را از الگوهای سنتی و تحمیلی خارج می نماید. این تربیت پیوندی بین اندیشه و احساس است و می‌تواند تجربه ی آموزشی را در قلمرو زیبایی شناسی طراحی کند که در آن حقیقت هم گرمی داشته و هم شناخته می‌شود؛ همچنین عشق به ارزش ها و تجلیات فرهنگی را در فراگیر زنده می‌کند.

با توجه به این ضرورتها و توانمندیها این پژوهش به حوزه تربیت زیبایی شناختی پرداخته و سعی بر ارائه اصول تربیت زیبایی شناختی مبتنی بر مبانی فلسفی دارد و با این جهت گیری پاسخ این سئوالات را دنبال می کند.

1- مهمترین اصول تربیت زیبایی شناختی کدام است؟

2- این اصول در قالب چه روشهای در فرایند آموزش قابل اجرا است؟

روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی - استنتاجی، که در حیطه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد انجام شده و جامعه مورد مطالعه کلیه اسناد و محتواهایی هستند که به مبانی فلسفی و نسبت بین زیبایی و تربیت پرداخته و به کاربردهای تربیت هنری توجه داشته اند. لذا در مرحله نخست، این منابع شناسایی و تجزیه و تحلیل شده و در مرحله دوم نتایج دسته بندی و در قالب اصول و روش یک نظام تربیتی تبیین شده است .

مفهوم شناسی تربیت زیبایی شناختی^۱

براساس برداشت های متفاوت از میزان توانمندی تجربیات زیبایی شناسی در تعلیم و تربیت، تعاریف مختلفی از تربیت زیبایی شناختی ارائه شده است؛ اما نقطه مشترک این تعاریف تاکید بر اهمیت تجربیات زیبایی شناختی و هنر برای آموزش و پرورش است و علی رغم اختلافات همه در تاثیر مستقیم دو مولفه اندیشه، احساس در این تربیت توافق دارند.

در واژه نامه آموزش و پرورش تربیت زیبایی شناختی به آموزش در زمینه هنرهای تجسمی و فضایی یا حجمی با تقسیم بندی های مختلف، اطلاق می گردد. به عبارت دیگر، تربیت زیبایی شناختی را محدود به معنای آموزش و فعالیت در زمینه هنرهای تجسمی و فضایی (حجمی) کرده که حوزه های اساسی آن شامل هنرهای زیبا، صنعتی گرافیکی و تبلیغی یا تجاری می باشد و با تقسیم بندی های فرعی آن مانند نقاشی و طراحی همراه است (امینی، 1384:8). بارو و میلیبورن^۲ تربیت زیبایی شناختی را با عنوان تربیت هنری بکار برده و آن را صرفاً به هنرهای بدیع و خلاق ربط می دهند و تاکید دارند که مفهوم هنرها به هنرهای آزاد اشاره دارد که در تقابل با علم محض هستند، و تربیت هنری همان عملکرد هنر خلاق است (بارو و میلیبورن، 1990:20-19). این تعاریف مفهوم تربیت زیبایی شناختی را به درس هنر محدود می کند.

اما به زعم بعضی از صاحب نظران دیگر تربیت زیبایی شناختی، ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه های بصری هنری و نقادانه هنرمندانه است. با توجه به این تعریف، تربیت زیبایی شناختی شامل آموزش اساسی حواس و رشد آگاهی متعالی از تجارب به تصورات بصری است و رشد رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری در نقاشی، مجسمه سازی، هنرهای تزئینی و آموزش را شامل می گردد که زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری می باشد (هاوس من، 2009:301). افلند^۳ مفهوم این تربیت را ناظر بر دو معنای کاربردی (عملی) و تئوریک (حوزه پژوهشی) می داند، که هم در حوزه عمل به معنای تدریس هنر و فعالیت آن اشاره دارد و هم به عنوان یک حوزه تحقیقی و پژوهشی، فرایند یاددهی و یادگیری را در هنر مورد مطالعه قرار می دهد که، با یک قدردانی نقادانه همراه است (امینی، 1384:7). این تعاریف تربیت زیبایی شناختی را گسترده تر از درس هنر و توانمند در فرایند کلی آموزش معرفی می کند.

در منظر علامه محمد تقی جعفری، این نوع از تربیت در ایجاد انگیزه درونی در متری و کاربرد حس زیبایی شناختی توانمند است و این عنصر را در یک عملکرد آگاهانه به سوی رشد علمی و اخلاقی انسان هدفمند می سازد. (متقی، 1390:60) این تعریف به ایجاد مسئولیت تعلیم و تربیت در مقابل استانداردهای القا شده به متری اشاره دارد.

در این پژوهش منظور از تربیت زیبایی شناختی، نوعی روش کاربردی در آموزش و پرورش و مبتنی بر طراحی مستمر تجربه زیبایی شناختی است. این نوع از تربیت ناظر بر رشد و پرورش حساسیت به ویژگی های زیبایی شناسانه اشیاء و پدیده ها، خلق آثار هنری و قدردانی از آن، رشد قوه خیال و پرورش عواطف است و اندیشه و ارزش های اخلاقی را از بعد عاطفی به پردازش عقلی منتقل می کند.

1- اصول تربیت زیبایی شناختی

از آنجا که اصول ریشه های اجتناب ناپذیر و معیارهای کلی (بایدها) متناسب با ظرفیت های انسان هستند که تمام جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش قرار می دهند، اصول تربیت زیبایی شناختی نیز که بر اساس مبانی فلسفی ذکر شده، در تمام فرایند این نوع از تربیت حاکم هستند. لذا از سیاست های کلی نظام تربیتی در دو حیطه آموزشی و حیطه عاطفی تفکیک ناپذیر است.

¹ Aesthetic education

² Borrow-Robin. Milburn Geoffery (1990)

³ Efland, A (1991)

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

1-1- اصل هماهنگی با خواسته های درونی انسانی

حس زیبایی شناسی در طبیعت مردم قطع نظر از درجه رشد فکری و عقلانی آنها سرشته است و این نکته از توجه به تاریخ انسانی نیز مشخص می گردد، لذا استفاده از آن از ضروریات تعلیم و تربیت است و مهمترین پیامد تربیت زیبایی شناختی پاسخ به نیاز فطری فرد و زمینه سازی رشد و آرامش روحی او است. همچنین ظرفیت دریافت این حس را افزایش داده و تا مراتب بالاتر زیبایی وسعت میبخشد.

لذا این اصل مبتنی بر این اساس است که تربیت زیبایی شناختی از قدرت گرایش فطری به زیبایی در جهت اهداف تعیین شده، استفاده می کند و در مسیر به فعلیت رسیدن آن گام بر می دارد. این بدان معنی است که، محروم ماندن از گرایش های فطری معطل ماندن ظرفیت های ویژه ای است که علاوه بر فواید شناختی، سلامت روانی متربی را تامین می کند.

به همین دلیل پاسخ به نیازهای روانی فراگیر، رهاسازی هیجانات و کاهش فشارهای روانی از مهمترین رسالت های تعلیم و تربیت است، حیات انسانی با داشتن مغز و روان معتدل از یکنواختی، احساس رکود و افسردگی می نماید؛ اگرچه نظرگاه او زیباترین منظره طبیعی یا اثر هنری باشد. بنابراین برای پاسخگویی به این تنوع و از بین رفتن محدودیت و یکنواختی، خود را با تفکرات و تنوعات درون ذاتی درگیری می کند، این نیاز به حدی است که، اگر ساختمان جهان طور دیگری تعبیه شده بود که تنوعات کیفی نداشت، حیات انسانی با این مغز و روانی که در او دیده میشود، دوام نمی آورد و از بین می رفت (جعفری، 1369: 205). این خصوصیت ذاتی، از نیازهای مهم فراگیران است.

1-2- اصل توازن احساس و عقل

تعلیم و تربیت موفق ناظر بر پرورش شخصیت متعادل است، تربیت زیبایی شناختی با کاهش هیجانات و فشارهای روحی و روانی، در رشد و بروز استعدادها و قابلیت های شناختی، عاطفی و مهارتی متربی نقش سازنده دارد (میرابیگی، 76: 1370-73) بنابراین تربیت زیبایی شناختی استراتژی تحقق رشد و شکوفایی متعادل استعدادها و توانایی است و با ایجاد توازن در پرورش قوای عقلی حسی، بدنی و عاطفی شخصیت را تکامل داده و تعلیم و تربیت را مدیریت موجودیت فرد را یاری می کند. لذا این اصل در تربیت زیبایی شناختی ناظر بر پرورش احساسات و درک پدیده ها و استخراج رموز نهفته در آن است تا در پرتو احساسات رشد یافته و انتقال به مرحله پردازش فکری و نهایتاً مرحله تعقل راه یابد .

1-3- اصل تسریع و تسهیل در رشد احساسات

یکی از مهم ترین مراحل بلوغ فرد، دوران انتقال از احساسات به دوران تعقل است که این انتقال فرایند حرکت از زندگی مبتنی بر احساسات به زندگی مبتنی بر تعقل است و با توجه به اهمیت این مرحله در رشد فراگیر ، نیاز به رهبری ماهرانه تعلیم و تربیت را دارد ، زیرا همان گونه که کم توجهی به عقلانیت، منجر به تعلیم و تربیت سطحی می گردد، تأکید افراطی بر تعقل میتواند ریشه احساسات را که به تعبیری چشمه سار حیات است، خشکاند (جعفری، 173: 1369) وظیفه تربیت زیبایی شناختی در واقع همین رهبری ماهرانه برای حرکت از احساسات و چشاندن حلاوت زیبایی عقلانیت به فراگیر را امکان پذیر می گردد. لذا این اصل ناظر بر آن است که توجه به زیبایی و عاطفه به معنی اسیر شدن انسان در مرحله احساسات نیست، بلکه منظور شفاف سازی حرکت صحیح از بعد عاطفی به عقلانیت است .

معلم در اجرای تربیت زیبایی شناختی تاکید دارد که سیستم عصبی انسان علاوه بر توانایی یادگیری و پردازش محرک ها از مجرای منطقی و استدلالی قابلیت یادگیری از مسیر عاطفه را هم دارد و اساساً این دو در ارتباط کامل با هم هستند. همچنین بر طبق این اصل باید تعلیم و تربیت در پی اولویت بندی هر دو قلمرو شخصیت انسان بطور متوازن باشد .

دوری از شتابزدگی، محدود اندیشی و سطحی نگری راه دستیابی فراگیر به تفکری عمیق، وسیع، متمرکز و منسجم است. در تربیت زیبایی شناختی هنر باعث مشارکت و درگیری اندیشه و احساس در ابعاد معنایی و تجلی یافته هنر شده و تکیه گاه حسی برای نحوه تفکر انسان است.

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

1-4- اصل ارتقاء یادگیری عاطفی

تربیت زیبایی شناختی با تاثیرگذاری در پرورش عواطف در عمق و وسعت یادگیری بسیار تاثیرگذار است. صاحب نظرانی مانند گلنن تصریح می کند که، به لحاظ فیزیولوژیک عاطفه نقش مهمی در چگونگی یادگیری دارد و هنگامیکه اطلاعات متربی در یک زمینه عاطفی شکل بگیرد، آن را بهتر به یاد می آورد و خط سیر عصبی از طریق این عواطف در مسیر یادگیری افزایش می یابد (امینی، 1386:21) اما از طرف دیگر تعلیم و تربیت واقعی بیش از آن که حاصل فرایند یاددهی و یادگیری باشد، حاصل نوع رابطه است و موفقیت در این رابطه، نیازمند بالا بردن توانمندی های ارتباطی مربی و فراگیر است. این ارتقاء توانمندی حاصل آموختن دانش، انباشتن اطلاعات و مهارت آموزی نیست بلکه با یک تغییر درونی ایجاد می شود. این تغییر حاصل گرایش به زیبایی و تعلق عاطفی به روابط مثبتی است که در محیط آموزشی و تعاملات حاکم حاصل می شود. این رابطه از آن جهت که تصنعی و حاصل تحمیل از عامل بیرونی نیست، در ارتقاء عاطفی فرد مثرتر است. توانمندی انسان در برقراری ارتباط و ایجاد تعاملات فردی با دیگران و درک آنها، همچنین قابلیت درک احساسات، هیجانات، عواطف و بطور کلی حالات درونی همه مربوط به این جنبه از هوش عاطفی انسان است (شمشیری، 1385:150). لذا این اصل ناظر بر آن است که فراگیر در تربیت زیبایی شناختی باید از سطح گسترده ای از هوش عاطفی برخوردار شود و با درک و خودآگاهی به توانمندی آن اندیشه ها از منشور آن انتقال یابد و رنگ های متنوعی از بصیرت را ایجاد کند. این احساسات ناقل اندیشه، عنصر تفکر فراگیر را همراهی و مفاهیم منطقی و حقایق علمی را در خود جای می دهد و نوعی درک عاطفی از نتایج عقلانی را می سازد.

1-5- اصل خودراهبری آموزشی

برخی اندیشمندان تاکید دارند که انسان دارای دو نوع مغز یا ذهن یعنی: مغز متفکر و مغز عاطفی است که هر دو در تعیین نحوه یادگیری انسان تاثیر دارد. رشد مغز متفکر از مغز عاطفی نشأت گرفته و تعامل بین مغز و احساس مستمر است، زیرا مغز عاطفی اولین دریافت کننده داده و قبل از مغز متفکر مطرح بوده و قبل از همه قادر به واکنش است. در نتیجه قبل از پاسخ منطقی پاسخ عاطفی دریافت می گردد. پاسخ مثبت عاطفی در آموزش پایدار و استمرار یادگیری را تضمین و بروسعت حافظه تاثیر می گذارد.

همچنین آموزش از کانال عاطفه به نقطه خودجوشی آموزشی و حل مسئله وارد می شود (امینی، 1385:57). اصل خود راهبری آموزشی حاصل این فرایند است. این اصل به شکوفایی تمام قوای درونی متربی و آزادی او در جریان یادگیری اشاره دارد و با انگیزه درونی متربی در ارتباط است. بنابراین معلم باید فرایند تدریس خود را بر فعالیت خودکار فراگیر قرار داده تا به نقطه ثقل آموزش دست یابد (میرلوحی، 1382:192). فرایند موفق یاددهی و یادگیری حاصل ارتباط و تعامل اندیشه و عاطفه است.

1-6- اصل خلاقیت در یادگیری

خلاقیت فرایندی است که منجر به تدوین یا تولید عقاید، راه یافته ها و یا محصولات تازه ای می شود که از اعتبار هنری و علمی برخوردار گردند (خسرونژاد، 1374:319). «جورج اف، نلر» معتقد است که خلاقیت شامل تولید ایده های جدید است. ایده هایی که به منظور حل مسائل مهم می توان به کار گرفت (مسدد، 1369:27). با این دید یکی اصول مهم در نظام تعلیم و تربیت پرورش انسان های پویا و خلاق است.

خلاقیت خود از پیامدهای اصل خودراهبری آموزشی و از رسالت های مهم تعلیم و تربیت، ایجاد بستر یادگیری خلاقانه است. بنابراین این اصل ناظر بر آن است که مربی باید با استفاده از تجربیات زیبایی شناسانه و آثار هنری به فراهم کردن بستر تخیل اقدام نماید و تجربیاتی را طراحی کند که فراگیر به تفکر خلاقانه ترغیب گردد تا فراگیر را به مرحله ای از تفکر برساند که همیشه مسایل را با راه حل های گوناگون و پرسش ها پاسخ های متفاوتی ببیند.

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

1-7- اصل استمراردریادگیری

با توجه به این که در تربیت زیبایی شناختی فعلیت یافتن استعدادهای فراگیر، با روند عاطفی و هیجانی امکان پذیر می گردد و عنصر خلاقیت رشد می یابد.

فراگیر به سوی دریافت مستمر حقیقت ترغیب می گردد. زیرا برخلاف روشهای سنتی در تدریس و یادگیری، این فرایند مشحون از احساس و هیجان و ناشی از یک لذت حل مساله است. این احساس خوشایند به حدی تاثیر گذار است که در صورت ایجاد، مربی و متربی نیاز خود را به تعلیم و تربیت هرگز فراموش نکرده و همواره در حال یادگیری مستمر و خلاق خواهند بود (جعفری نقل از داستانیور، 1385: 195). لذا این اصل در پی پرورش خلاقیت، مهارت حل مساله و تفکر منطقی، سبب ایجاد جذابیت دریافت حس ناشناخته ها به پایداری او در مسیر یادگیری منجر شده و او را به یادگیری قانونمند اشباعی قانع نمی کند (مهرمحمدی، 1383: 62). تربیت زیبایی شناختی با کاربرد تمام ظرفیتهای زیستی و بالقوه فراگیر از مشارکت ساختارهای عاطفی و ساختار عقلی فرایند یادگیری مستمر را تأمین می کند.

1-8- اصل تفکر راهبردی در یادگیری

اصل تفکر راهبردی در آموزش مبتنی بر دستیابی به تفکر منطقی است. ضعف در مهارت تفکر همیشه پیامد کمبود اطلاعات نیست، عوامل زیادی باعث می شود تا فرد نتواند از دانش و اطلاعات خود در جریان تفکر و ادراک استفاده کند. عدم وجود یک راهبرد صحیح در تفکر خود سبب ایجاد شرایطی می شود که به توقف تفکر منجر می گردد. بعضی از صاحب نظران این نقص را ناشی از ضعف در هوش فکورانه تاملی می دانند. این هوش حاصل مدیریت آگاهانه و یا تسلط فرد به منابع هوشمندانه ذهن است. این هوشیاری و آگاهی فرد، فرایند تفکر را پرورش می دهد و با یادگیری ارتباط مستقیم دارند. شناخت این ظرفیت ها یعنی شناخت برداشت های که راه را بر یادگیری نمی بندد و همه مسیرها را در نظر می گیرد (پرکینز، 1994: 13-16). بنا براین اصل گرچه تربیت زیبایی شناختی با ابزار زیبایی و هنر در پی پرورش و برانگیختن تخیل است، اما باید به سوی یک تفکر راهبردی در حرکت باشد (مهرمحمدی، 1383: 35)؛ و سبب وسعت و تعادل فکر و دوری از باریک اندیشی فکری شود، که همان حالت رشد هوش فکورانه متربی است.

1-9- اصل ارزش محوری

با توجه به این که انسان واجد استعداد ذاتی برای اخلاق ورزی و ارتقاء و شکوفایی ارزش ها است، جریان تعلیم و تربیت باید به ظهور آن کمک کند. بنا براین اصل، تربیت زیبایی شناختی باید به بازنمایی و تخیل دامنه و عمق ارزش ها بپردازد؛ در کاربرد تخیل در تربیت زیبایی شناختی اساس بر آن است که اگر کسی بخواهد انسان باشد باید آنچه رامکن است باشد و باید باشد، تخیل کند. یک تجربه تخیلی به سبب انتقال نوعی آگاهی ارزشی مورد توجه بوده و از حیات عقلانی انسان نیز دور نیست چون با تفکر منطقی این استنباط حاصل می شود.

از آن جا که تربیت زیبایی شناختی با دو مولفه شناخت و عاطفه سروکار دارد، با تجربه ای لذت بخش اما روشن بینانه و توأم با بصیرت به انتقال و فهم و باورهای اخلاقی می پردازد، که به آن "ارزش گذاری بصیرت مندانه" اطلاق می شود (برودی، 1389: 50) و امتیازی که می تواند شاخص برتری تربیت زیبایی شناختی باشد در این نکته است که در این شیوه سعی می شود که کنش اخلاقی فراگیر صبغه شناختی، عقلانی و عاطفی را به طور هم زمان داشته باشد (مهر محمدی، 1383: 67). لذا این اصل ناظر بر آن است که در تربیت زیبایی شناختی باید مربی احساسات را تنظیم و از آن بعنوان حامل ارزش های عالی بهره برد و فراگیر را قادر سازد که نه تنها ارزش هایی را درباره احساسات فردی، بلکه مطالبی را درباره احساسات انسان از جهان را نیز بیان کند.

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

10-1- اصل ارتقاء سواد زیبایی شناختی

کثرت‌گرایی شناختی و استفاده از ابزارهای مختلف شناخت، در واقع اشاره ضمنی به انواع مختلف علایم و کدهای است که در انتقال افکار و اندیشه‌ها موثر بوده و ضرورت ارتقاء سطح سواد و فهم آن را بیان می‌کند. در این صورت با سواد شدن به معنای وسیع کلمه، کیفیت یا قابلیت است که به فرد امکان دسترسی به معانی و مفاهیم ابراز شده را از طریق نظام‌های معنا سازی گوناگون می‌دهد. بنابراین سواد می‌تواند از طریق تعامل با اشکال متنوعی از نظام‌های معنا سازی حاصل گردد؛ لذا اندیشمندانمانند ماکسین گرین تاکید دارند که سوادآموزی زیبایی‌شناختی مستلزم آن است که، تجربیات زیبایی‌شناختی در تعلیم و تربیت نقش محوری را داشته و وظیفه تربیت زیبایی شناختی این است که، دانش‌آموزان را قادر سازد تا در این راه با سواد شوند. کسب این نوع از سواد مستلزم مهارت‌های تفسیری مشخصی همچون قوه تمیز، حساسیت و پاسخ‌دهندگی است (الیاس، 1385: 137-136). این درحالی است که بدون توجه به این که آشنا کردن دانش‌آموزان با شیوه‌های درک هنر عملکرد خاص تربیتی را می‌طلبد، اغلب از جوانان انتظار دارند که از یک درک زیبایی‌شناختی اساسی، برخوردار باشند.

توجه دادن فراگیر به مشارکت مستقیم و غیرمستقیم هنر در انتقال مفاهیم و بروز خلاقیت سبب می‌شود که سواد زیبایی‌شناسی در فرد ارتقاء یافته و با علائمی مانند توانایی ارزش‌گذاری، قدرشناسی نموده‌ها و میراث فرهنگی و توانایی تحلیل، نقادی هنری و قضاوت تجلی می‌یابد (امینی، 1384: 115-112). این اصل در واقع یک استراتژی است که به متری کمک می‌کند که از ادراک ساده در سطح داوری و قضاوت زیبا و زشت به یک ادراک کامل و به نگرش دقیق انتقادی و تحلیلی برسد.

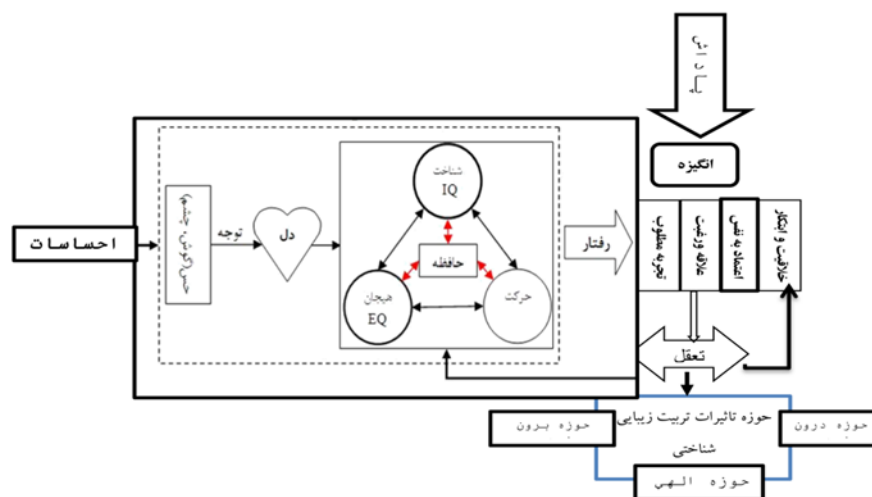
11-1- اصل یادگیری اجتماعی و فرهنگی

بخش مهمی از یادگیری‌های متری مربوط به انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ است. آنچه باعث می‌شود برون داد یک نظام تعلیم و تربیت هیچ‌گونه تقیدی به مظاهر فرهنگی و آثار هنری و پیام‌های نهفته در آن نشان ندهند، بی‌توجهی نظام آموزشی به ارتقاء مهارت‌های فهم فرهنگی و نقد هنری است. اساساً فرهنگ در حیات تکامل یافته چیزی جز نتیجه عقل سلیم و احساسات تعالی یافته نیست (جعفری، 1373: 85). بنابراین تعلیم و تربیت موظف به توجه خاص به فرهنگ و مولفه‌های آن است. با این نگاه تربیت زیبایی‌شناختی ابزار مهمی در انتقال فرهنگ است؛ زیرا شکل‌های اصلی احساس که در بین مردم و در درون یک فرهنگ، میراث مشترک است در هنر تجلی می‌یابد. لذا آثار فرهنگی و اجتماعی تاریخی تقریباً برای کسانی که با معیارهای هنری درباره آنها به داوری می‌نشینند، زمانی معنی‌دار و مهم به نظر می‌رسند که تربیت زیبایی‌شناختی به ارتقا فهم این ابعاد تاثیرگذار کند.

فرهنگ در جنبه‌های غریزی و فطری خود نوعی زیبایی و هنر است (جعفری، 1379: 133) و اهمیت آن به عنوان مسیر آموزش فرهنگ، ضوابط اجتماعی و پشتوانه تاریخی هر جامعه، با سواد زیبایی‌شناختی تامین می‌گردد تا هنر بعنوان عالیترین اندیشه‌های بنیادی بشری در قالب یک مولفه آموزشی مطرح گردد.

اندیشمندان همچون فریدریش فون شیلر در حالی که متحیر بودند که کدام یک از نیروهای جامعه به تحقق حقوق بشر و آزادی کمک می‌کنند، نه به خشونت و ترور، هنر را همچون نیروی مطرح می‌کند که می‌تواند کشش‌های گوناگون انسان را با مجموعه‌ای از عقاید مخالف که یک ملت را در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و فرهنگی حفظ می‌کند، متحد سازد. (الیاس، 1385: 111). بنابراین این اصل ناظر بر تلاش نظام آموزشی در ایجاد درک ارزش‌های اجتماعی و برای تقید به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است و به توسعه تفکر انتقادی در جامعه کمک می‌کند.

جدول شماره 1: الگوی یادگیری مستمر



2- روشهای تربیت زیبایی شناختی

در اطلاق خاص به تربیت زیبایی شناختی بعنوان یک نظام تربیتی برای تحقق اهداف آن درحیطه‌های مختلف شناختی، عاطفی و حرکتی به روش خاصی احتیاج دارد که درباب آن نظرات مختلفی وجود دارد؛ اما دراین بخش به روشهایی کاربردی آن پرداخته می شود.

2-1- گسترش عمودی و افقی ساختار تجربه

تربیت زیبایی شناختی، درروش گسترش عمودی و افقی ساخت تجربه قابل اجرا است. این روش که مطابق الگوی عملیاتی هنر اسلامی است، با اصل توالی منطقی پیازه (از عینی به ذهنی) و سطوح مفهومی قابل انطباق است (شرفی، 1384: 114). برای فراهم آوردن چنین ساختاری، باید پروراندن تجارب درطول سال تحصیلی و درطول هر مقطع انجام می گیرد؛ درارتباط عمودی تجارب کلیدی و منشا مهارتهای شناختی و عاطفی اساسی برای گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفته می شود و درارتباط افقی طراحی تجارب در یک گروه سنی انجام می گردد.

محوراین برنامه براساس مفهوم سازی ذهنی نبوده و براساس پرورش تجربیات ازساده به پیچیده طراحی می شود ومانند آنچه دردیدگاه دیویی نیز اشاره شده تجارب متربی شامل علایق و احساسات و نیازهای ابراز شده است، به عنوان نقطه آغاز و تجارب سازمان یافته درقلمروهای دانش بعنوان نقطه پایان این فرایند درنظر گرفته می شود و فرایند گذر از علایق به استانداردهای منظم دانش است (شرفی، 1384: 113-110). لذا موفقیت این روش در گرو گسترش تدریجی تجارب یادگیری از ساده به پیچیده است. دراین روش گام اول به ساده سازی از طریق تمییز تشابهات و تفاوتها و طبقه بندی تعداد نامحدودی خصوصیات یک تجربه، اختصاص می یابد.

در مرحله دوم بازسازی تجربه انجام شده و معنی جدیدی از آن با توجه به آموخته‌های قبلی روشن می گردد و درآخرین مرحله پویایی تفکر راهبردی فرد را به سوی تجربه ترکیبی پیچیده تر پیش برده و پردازش تفکر شروع می شود. البته تجربیات ساده و ترکیبی برای هرگروه مفهوم خاصی دارد. برای نمونه درآموزش کودکان سنین اولیه، تجربه ساده زمانی است که کودک به درک ویژگیهای خطوط، اشکال و بافتها مشغول شده و می آموزند که مواد را می توان به اشکال مختلف سازمان دهی کرد. اودر مرحله دوم به ارتباط و نظم خاص آنها و درمرحله سوم رابطه چرایی و علت و معلولی را درک می کند و تجارب ترکیبی حاصل می شود.

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

امادرسنین بالاترجه جهت مهارت پردازش فکری تجربیات قبلی با یک رویکرد کلی وجدیدتر بازنگری می شود. دراین فرایند استفاده از روشهای تکمیلی، روند پیشرفت را تسریع می کند.

2-2- پرورش و کاربرد حواس

روشهای تدریس که مبتنی بر کاربرد حواس بوده و به ارتقاء حساسیت و تیزبینی متری کمک کند و مواجهه او را برای ایجاد تجربه فردی فراهم می کند، در تربیت زیبایی شناختی حائز اهمیت است؛ این مواجهه می تواند بصورت محدود در فضای کلاس با استفاده از (مدلها، عکسها و تصاویر) انجام شده و یادارکارگاه و آزمایشگاه با ترغیب و جستجوگری هدفمند شکل بگیرد و با مواجهه در محیط طبیعی اتفاق بیفتد (میرلوحی، 1382: 186-187). در همین راستا فعالیتهای آموزشی چندحسی در قالب بازی، ایفای نقش و تجارب هنری پیشنهاد می گردد.

فعالیتهای مانند تصویرسازی و طراحی ساخت و ساز مواد ماندسفال و انیمیشن درسنین پایین و ایفای نقش در گروههای تحقیقاتی یا گروههای نمایشی هدفمند، تهیه فیلمهای آموزشی و مستند برای سنین بالاتر مثر است زیرا حافظه به نحو قدرتمندی در آن دخالت دارد. بنابراین اگرچه کاربرد تمامی حواس در تدریس غیرممکن است اما هرچه قدروست و تنوع حواس در آموزش بیشتر باشد، تجارب بیشتر و فهم عمیق تری را ایجاد می کند. همچنین انواع آثار در قالب هنرهای تجسمی نیز در جای خود به جهت ایجاد سواد بصری قابل استفاده است. در تربیت بصری که توانایی درک و تفسیر پیامها را به دنبال دارد، هرگونه ساختن و آفریدن تصاویرمانند هنرهای گرافیکی، کاربرد ابزار تصویرسازی و دوربین، نوارهای ویدئویی را شامل می شود.

2-3- روشهای پرورش تخیل و خلاقیت

تخیل یکی از مهمترین ابزار در تربیت زیبایی شناختی است البته ذکر این نکته الزامی است که تخیل باید هدایت شده باشد تا متری را از واقعیت دور نکند و حالت افراطی به خود نگیرد. برای پرورش تخیل در تربیت زیبایی شناختی این راهها پیشنهاد می گردد:

2-3-1- نماد سازی (قصه گویی و نمایش و داستان پردازی)

روان شناسان معتقدند که، ارائه آثاری که در آن به اندیشه های خاص، عواطف و پیامهای مورد نظر به شکل واضح تر و گویاتر پرداخته شود، بطوری که منجر به درگیر شدن کودک در تکلیف و فعالیتی از جنس تکلیف شود، در پرورش تخیل و خلاقیت بسیار با اهمیت است (مهر محمدی، 1383: 78). کاربرد قصه و خلق داستان و تصویر یکی از مصادیق نماد سازی است، و در سلامت روان، پرورش تخیل و قدرت خلاقیت هم تاثیر گذار است. همچنین این فرایند، شامل تحلیل رویدادها و اخذ نتیجه در قالب داستان با توجه به ذائقه متری نیز می گردد. مواردی از قبیل نمایش، بازی سازی و بازی نویسی هم می تواند این فرصتها را فراهم نماید.

بطور کلی در این الگو مربی ضرورتا باید در پی فرصتهایی برای متری باشد که در آن طی فعالیتهای احساسات و افکار خود را در قالبی سرگرم کننده ارائه و اهداف تدریس خود را بروز دهد.

2-3-2- پرسشگری، نقد و مساله سازی

در پرسشگری و رویکرد مساله سازی، باید از صیغه موضوع محوری هنری استفاده گردد. در این صورت حل مساله عبارت از کاربرد خصوصیات یا مفاهیم زیبایی شناختی برای ایجاد فرصتهای است که زمینه اکتشاف را فراهم می آورد. استفاده از مدل های - طراحی شده مبتنی بر به کارگیری مفاهیم گوناگون هنری و یا کولاژ به خاطر جاذبه های بصری و ایجاد فرصت ارزیابی و داوری در انواع کاربردی هنرهای تجسمی، شرایط حل مساله با صیغه هنری هستند.

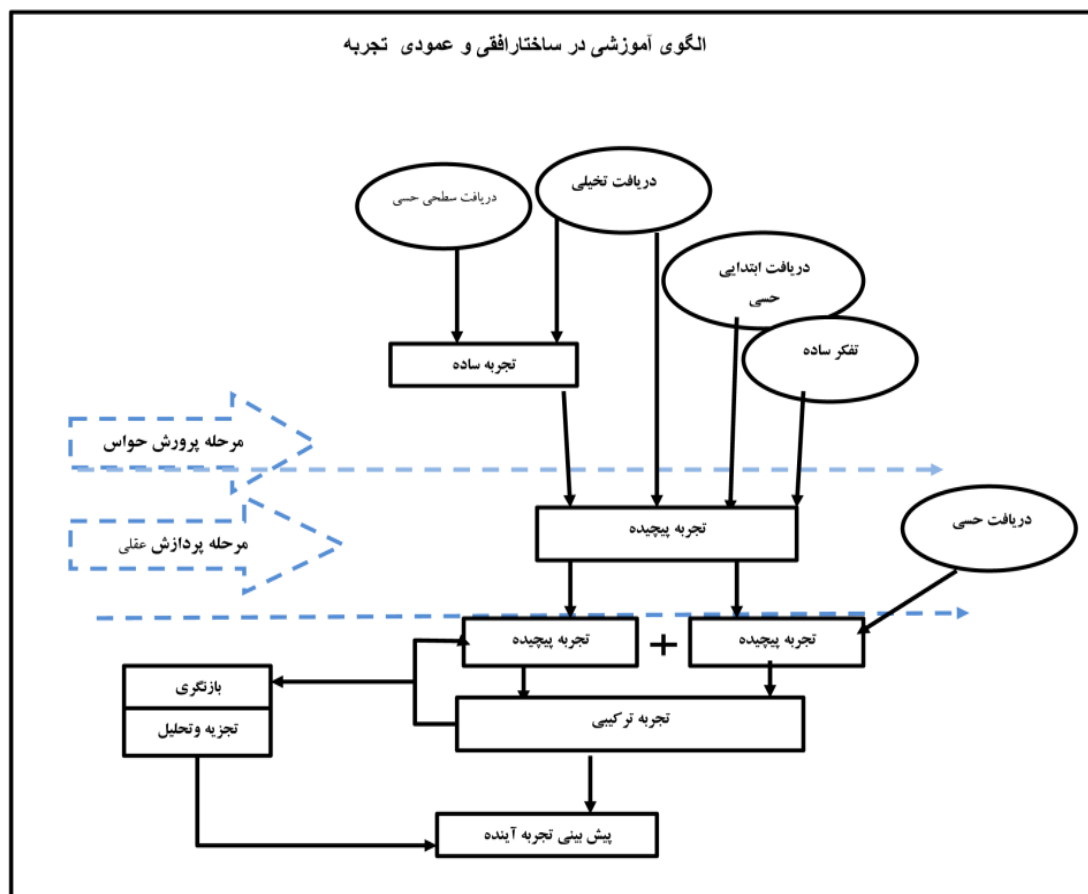
"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

2-3-3- محیط برانگیزاننده

محیط‌های مستبدآموزشی با تاکید بر مقررات سازمان یافته و دست پاگیر خود از موانع تربیت در همه حیطه‌ها بخصوص در حوزه ارزش و اخلاق هستند و راه را بر خلاقیت می‌بندد (کول، 1374: 263-262). در مقابل یک محیط برانگیزاننده و ترغیب کننده می‌تواند در بهبود خلاقیت موثر باشد.

لذا محیطی پراز معنا واستعاره هنری، همچنین محیط مملو از نشاط و سرزندگی می‌تواند زمینه مناسبی برای ایجاد خلاقیت باشد. استفاده صرف از قوانین و استانداردها باعث تهی شدن محیط ومناسبات اجتماعی از هرگونه استعاره، معناداری و روح سرزندگی شده و مانع دستیابی فراگیر به نقب زدن و کشف رمزها و رازها، آیین‌ها و مضامین می‌گردد. مربی باید کلاس خود را با توجه به وقوع شیوه‌های گوناگون تعامل‌ها و پاسخ‌ها، یک ابزار برای آفرینش‌های هنری عقلانی تلقی کرده و حالات و نگرش‌های فراگیر و قدرت آنها را مورد توجه قرار دهد. همچنین مدیران آموزشی باید نسبت به مساله زیبایی‌شناختی در برنامه‌ریزی رویدادهای فضای مدرسه و اعتلای درک هنری حساس بوده و هنر را تنها به بخش جداگانه‌ای از برنامه درسی محدود نکنند.

جدول شماره 2: الگوی آموزشی در ساختار افقی و عمودی تجربه



"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

بحث و نتیجه گیری

چالش‌های عمیق در تعلیم و تربیت روشن می‌کند که رویکردی جدی به تربیت زیبایی شناختی در نظام آموزش و پرورش رسمی یک نیاز جدی بوده و نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند به طور مطلق براساس یافته‌ها و قانون‌مندی‌های عام و تعمیم‌پذیر علمی به همه نیازهای فراگیران پاسخ دهد، بلکه باید از زاویه احساس و عاطفه و با ابزار تجربیات زیبایی شناختی و هنر نیز به آن نگرست.

یافته های پژوهش سؤال اول در رابطه با اصول تربیت زیبایی شناختی، که مجموعاً بایدها و نبایدهای این نظام آموزشی را تشکیل می‌دهد، محدوده عمل این شیوه را در بخش آموزشی و اخلاقی تعیین می‌کند. اصل هماهنگی با فطرت انسانی بر مطابقت این روش با نیازها و خواسته‌های انسانی دلالت دارد. اصل توازن احساس و عقل نیز در رابطه با تربیت شخصیت متعادل مطرح می‌شود. در بعد شناختی و یادگیری اصل ارتقا یادگیری عاطفی، انگیزش درونی با توجه به اهمیت بعد عاطفی مطرح است. اصل خود راهبری، خلاقیت، استمرار و تفکر راهبردی در یادگیری ناظر بر تاثیرات بعد عاطفی در یادگیری مستقل با انگیزه درونی اشاره داشته و روشن می‌کند خصوصیات در تجربه زیبایی شناختی است که آفات فکری را از بین برده و تفکر راهبردی را قوت بخشیده و به رشد هوش فکورانه متربی کمک می‌کند، این نوع فرایند تفکر مشحون از احساس و هیجان و ناشی از یک بارقه حل مساله است. در رابطه با ارتقاء فهم و سواد زیبایی شناختی بوده و آن کیفیت یا قابلیت است که به فرد امکان دسترسی به معانی و مفاهیم ابراز شده از طریق نظام‌های معنا سازی گوناگون می‌دهد. در اصل یادگیری اجتماعی پرورش احساسات جمعی و احترام به ارزشها و میراث فرهنگی و جمعی مورد نظر است. روشن است که این نوع تربیت به عنوان یک راهبرد و استراتژی عاطفی، یادگیری را تضمین و تفکر را پرورش می‌دهد و همچنین به جنبه تعهدی و الزام عقلی به ارزشها نیز کمک می‌کند.

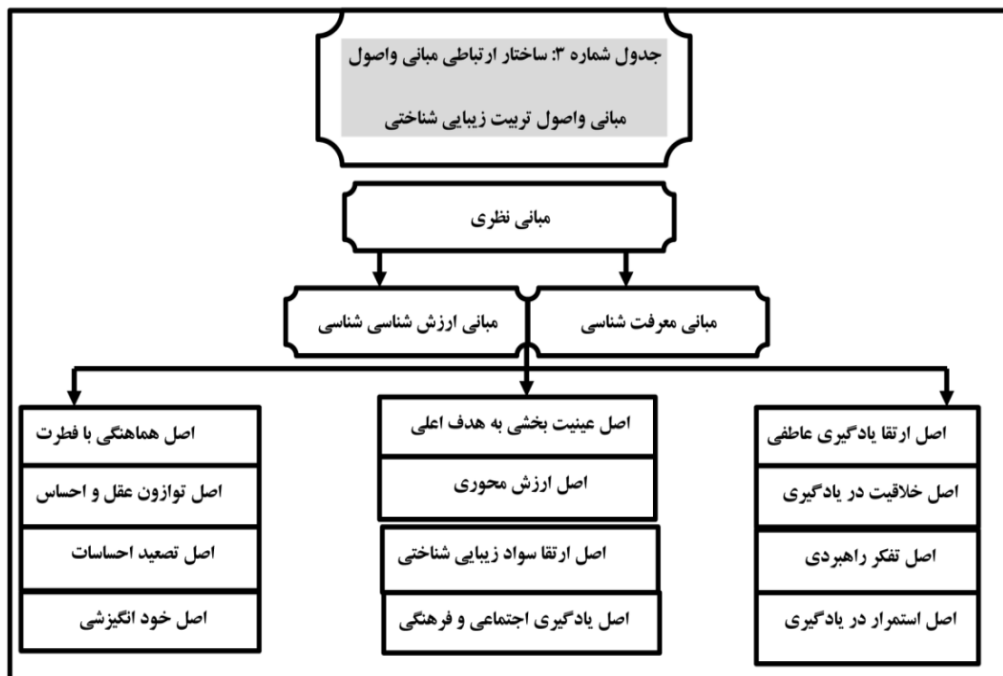
یافته های پژوهش در حیطه سؤال دوم تربیت زیبایی شناختی بعنوان یک نظام تربیتی برای تحقق اهداف آن در حیطه‌های مختلف شناختی، عاطفی و حرکتی به روش خاصی احتیاج دارد که در باب آن نظرات مختلفی وجود دارد، یکی از این روشها گسترش عمودی و افقی ساختار تجربه

است. این روش که مطابق الگوی عملیاتی هنر اسلامی است، با اصل توالی منطقی پیاژه (از عینی به ذهنی) و سطوح مفهومی قابل انطباق است برای فراهم آوردن چنین ساختاری، باید پروراندن تجارب در طول سال تحصیلی و در طول هر مقطع انجام می‌گیرد؛ در ارتباط عمودی تجارب کلیدی و منشا مهارت‌های شناختی و عاطفی اساسی برای گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفته می‌شود و در ارتباط افقی طراحی تجارب در یک گروه سنی انجام می‌گردد.

از دیگر روشهای تدریس، روشهای است که مبتنی بر کاربرد حواس بوده و به ارتقاء حساسیت و تمیز بینی متربی کمک کند و مواجهه او را برای ایجاد تجربه فردی فراهم می‌کند، در تربیت زیبایی شناختی حائز اهمیت است؛ این مواجهه می‌تواند بصورت محدود در فضای کلاس و یاد کارگاه و آزمایشگاه با ترغیب و جستجوگری هدفمند شکل بگیرد و یا مواجهه در محیط طبیعی اتفاق بیفتد.

"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

جدول شماره 3: ساختار ارتباطی مبانی و اصول



"همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی"
"International Conference on innovation and research in the arts and humanities"

منابع و مآخذ

- امینی. محمد (1383) *تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات آبیژ.
- برودی، هری (1389) *جستاری در تربیت زیبایی شناسی*، ترجمه منیژه رضایی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- الیاس، جان (1385) *فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)* ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شمشیری، بابک (1385) *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*، تهران: نشر طهوری.
- جعفری، محمدتقی (1374) *اراده و جایگاه آن در تعلیم و تربیت* (مجموعه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت) گردآورنده وزارت آموزش و پرورش تهران: انتشارات تربیت
- جعفری، محمدتقی (1360)، *شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (1369) *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات.
- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲)، *معصومیت و تجربه*، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، نشر مرکز، چاپ اول.
- میرلوحی، حسین (1382) *کلیات علم تدریس*، تهران: دانشگاه تربیت دبیر رجائی.
- مهر محمدی، محمود (1383) *آموزش عمومی هنر*، تهران: انتشارات مدرسه.
- میزابگی، حسن (1370) *نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان*، تهران: انتشارات مدرسه

Hausman Jerome j (2009). *ART EDUCATION*. New York: The Macmillian Company and The free press Comenius(The Great Didactic Unesco
Broudy,Harry S (1994),*Enlightened Cherishing: An Essay on Aesthetic Education*University of Illinois Press (June 1, 1994)

Broudy,Harry (1977) *HowBasic is Aesthetic Education-*. Paper presented at the annual meeting, Association for Supervision and Curriculum Development (Houston, Texas, March.page 19-23)

Broudy,Harry (1972) *EnlightenedCherishing. An easy in Aesthetic Education* . U.S.A Urbana. Univercityof iliinois press.

Eisner ,Elliot (1987). *The Role of the Art in Curriculum planning* . New York: Allyn and Bacon Inc.